

پس منظر گسستگی و وضعیت سیاسی - اجتماعی کشور چگونگی لانه نمودن گروه‌های تروریستی در همجوار کشور ما مغشوش گردیدن چشم انداز تلاش‌های میانجی‌گرانه

زمینه‌های مساعد سواستفاده از گروه‌های نیابتی
تحویل راه حل نظامی بربیک منازعه سیاسی
شکست نظامی یا عقب نشینی تحقیر آمیز؟
لکه ننگی که هرگز زدوده نخواهد شد

گسستگی وضعیت سیاسی - اجتماعی، ناشی از کاهش اعتماد عمومی، شکاف میان انتظارات شهروندان و نوع عملکرد حاکمیت سیاسی و تضعیف ارزش هاس مشترک میباشد. پدیده متذکره، بگونه معمول با ناکارآمدی ساختاری، نابرابریهای اقتصادی و نارضایتی اکثریت، زمینه را برای بیگانگی جامعه از دولت و خیزش‌های اعتراضی فراهم مینماید. پس منظرو عوامل اصلی گسستگی سیاسی - اجتماعی عبارتند از: ناکارآمدی در تحقق عدالت و اهداف مشترک، ناتوانی در تأمین نیازهای پایه و نابرابری‌های عمیق کاحساس بیگانگی میان دولت و ملت را ایجاد می نماید. شکاف ارزش‌ها و هنجارها، چه، زمانی که هنجار رسمی با ارزشهای فرهنگی جامعه همخوانی نداشته باشد، وفاق ملی از بین می رود. بی اعتمادی ساختاری بمفهوم نارضایتی گسترده از وضعیت موجود، بحران‌های اقتصادی و امنیتی، دردلبه پرتگاه قرار گرفتن، سبب گسست بیشتر و تشدید بحران‌های سیاسی میگردد. ضعف در کنترل اجتماع عادلانه، عدم نظارت صحیح بر زورگویان و حاکم شدن رویکرد‌های حذفی، روابط اجتماعی را فرسوده کرده و زمینه جنگ داخلی یا گسست عمیق تر را فراهم می نماید. در مورد پس زمینه‌های گسستگی وضعیت سیاسی - اجتماعی کشورها همینقدر باید گفت که: "گسستگی سیاسی - اجتماعی" زمانی رخ میدهد که پیوند بین حاکمیت و جامعه یا میان نیروهای مختلف شهروندان از هم بپاشد. این پدیده، معمولن یکشبه اتفاق نیافتاده، بلکه ریشه در عوامل انباشته شده دارد.

با در نظر داشت واقعبیت‌های تاریخی، میهن عزیز ما، در مقایسه با سایر کشور‌های جهان، بویژه با پاکستان، در امتداد سده‌های متوالی، با پیوندهای قومی، تجاری و مذهبی بهم پیوسته بوده که برین بنیاد، بایست بدنبال مصالحه و سازش می بودند. اما تاریخ تکرار گردیده و درگیری‌های مسلحانه ای در امتداد "خط دیورند" میان "طالب"ها و نظامیان پاکستانی، صورت گرفت. در امتداد چندین روز متواتر، نبردهای شدید و گسترده ای میان طرفین همچنان جریان یافت. هواپیماها، توپخانه‌ها، خمپاره‌اندازها و ستون‌هایی از وسایل زرهی و... همه‌ی اینها مانند یک جنگ کوچک، البته در مقیاس محلی بنظر می رسید. با اینحال، اهمیت ژئوپولیتیکی درگیری‌های یادشده، گسترده تراز یک درگیری ساده مرزی بود. یکتن از شرق شناسان، ریشه‌های درگیری میان کشور ما با پاکستان را توضیح داده و چنین می پندارد که ریشه‌های درگیری‌های یادشده میان دو کشور، عمدتن ناشی از موجودیت "خط دیورند" می باشد که توسط بریتانیایی‌ها برپیکر افغانستان واحد، بگونه مصنوعی ترسیم گردید. خط یادشده، در امتداد سرزمین‌هایی که هند بریتانوی در آن‌ها پایان می یافت، بدون توجه به جغرافیا یا منافع باشندده‌های محلی کشیده شد. در همین حال، مناطق مرکزی پاکستان محل

سکونت پښتون ها بود، خط یاد شده بود که بویژه پس از تقسیم هند بریتانوی به کشورهای هند و پاکستان، عده ای از شهروندان پښتون کشور عزیز ما را به پاکستان بعقب راند. اما شهروندان پښتون کشور ما، شهرپشاور، یکی از مهمترین شهرهای خویش را از دست دادند که تاکنون هم مسأله فوق باسباب رنجش خاطر شهروندان کشور ما مبدل گردیده است. بر بنیاد گزارش رسانه ها، از جمله آریانا نیوز خبر داد که "طالب" ها در امتداد "خط دیورند"، موج جدیدی از حملات را علیه نظامیان پاکستانی انجام دادند. بر بنیاد اظهاراتی توسط گردانندگان اداره اسلام آباد، این تحریک طالب های پاکستانی اند که با پناه گرفتن در اراضی افغانستان، گاه و بیگاه باراضی و قلمرو متعلق به پاکستان بانجام حملات مسلحانه ای مبادرت میورزند، گروهی که بنا بر ادعای اسلام آباد، در امتداد سال های پسین سازماندهی و اجرای حملاتی در داخل قلمرو متعلق به پاکستان مبادرت ورزیدند. از اوایل بهار، بخشهای اطلاعاتی پاکستان، فهرست اردوگاهها و مشخصه های پایگاههای مشکوک تحریک طالب های پاکستان را در اختیار کابل قرار داده بود، اما "طالب" ها در افغانستان، هیچ گونه اقدامی بمنظور از میان برداشتن پایگاههای یادشده بعمل نیآوردند.

بتاریخ ۹ ماه اکتوبر سال پار، نظامیان پاکستانی بر فراز مناطق مرزی کشور ما، بحملات زمینی و هوایی متوسل گردیدند. کابل، اقدامات اینچنینی اداره اسلام آباد را بمثابة اقدام تجاوزکارانه محسوب نموده و با آتش متقابل بآن پاسخ گفت. اما بتاریخ ۱۱ ماه اکتوبر سال پار، درگیری های گسترده ای آغاز و بمدت دوشبانه روز بدرازا کشید. جانب "طالب" ها ادعأ نمودند که مؤفق به از پادراوردن دهها تن از نظامیان پاکستانی شده و نیز از تصرف چندین گذرگاه مرزی خبر دادند. رسا نه های پاکستانی بنوبه خویش از "تلفات قابل توجه دشمن" و کشته شدن ۲۰۰ تن از شبه نظامیان خبر دادند. در بحبوحه جنگ و درگیری های مسلحانه، تمامی گذرگاههای مرزی، از جمله گذرگاه کلیدی تورخم که بیشترین تجارت بین دو کشور از طریق آن انجام می شد، مسدود گردیده که در نتیجه، خسارت های اقتصادی چند میلیون دلاری بهر دو جانب وارد گردیده و همچنان، پروسه انتقال کمک های بشردوستانه، به شهروندان بشدت نیازمند کشور ما نیز عملن قطع گردید.

چنانچه تذکر بعمل آمد، ریشه اختلافات و انجام درگیری ها، موجودیت "خط دیورند" پنداشته می شود که خلاف اراده شهروندان کشور، بر پیکر افغانستان واحد تحمیل گردید. هر دور جدید تنش های مرزی و اختلافات ارضی بین دو کشور را موجودیت اختلاف های یادشده، بویژه در دو طرف "خط دیورند"، تشکیل داده و جایی که قلمرو یک کشور به پایان رسیده و قلمرو کشور دیگر آغاز می گردد. پاکستان در امتداد سال های پسین، ساخت و سازهایی را در امتداد "خط دیورند" آغاز نمود و به ساخت نقاط بررسی و دیدبانی مبادرت ورزید، اما شهروندان کشور عزیز ما، اقدام اینچنینی را بمثابة نقض حاکمیت ملی افغانستان پنداشته و گروه های مسلح محلی در محل یادشده به تقابل و رویارویی های مسلحانه ای متوسل گردیدند.

اما تشدید وضعیت در دو طرف "خط دیورند" دلایل عمیقتر و گسترده اری دارد. از مدت زمان بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها در کابل، هزاران جنگجوی تحریک طالب های پاکستان بسرزمین و اراضی کشور ما، در جایی که احساس امنیت نسبی می نمایند، پناه داده شدند. آنها از پشتیبانی و همدردی برخی از فرماندهان میدانی در کشور ما برخوردارند، زیرا از نظرایدئولوژیکی به "طالب" ها نزدیک می باشند. وضعیت اینچنینی، بویژه برای پاکستان بمثابة تهدید ثبات داخلی آن کشور پنداشته می شود.

در مورد پیشینه سیاسی مسأله مورد بحث باید گفت که پاکستان در حال حاضر با بحران اقتصادی، بی ثباتی سیاسی و افزایش تحرکات و انجام عملکردهای تروریستی مواجه می باشد. در شرایط و وضعیت اینچنینی، قوت های مسلح آنکشور به نمایش قدرت نیاز دارند، چه، عملیات و اقدامات مسلحانه مرزی می تواند دقیقن، انتقال چنین پیامی به شهروندان آن کشور تلقی گردد.

با وجود اینهمه، رهبری کنونی افغانستان را (چنانچه بسیاری ها میپندارند)، نمی توان آنقدرها هم ضعیف تصور نمود. اما "طالب" ها در داخل کشور نیز دچار تناقضات و چنندستگی شده اند. اما این مسأله بخاطر ما باشد که قایل گردیدن هر نوع امتیازی به پاکستان بمثابة خیانت تلقی می گردد. بنابراین، کابل حتا با وجود خطر کشاندن کشور بیک درگیری طولانی مدت، پاسخ قاطعی را در قبال وضعیت برگزیده است.

همچنین سیاست خارجی هند، آخرین تماس ها و ارتباطاتش را با "طالب" ها وسعت بخشیده و در پی گسترش نفوذش در منطقه می باشد تا از این طریق به تضعیف مواضع پاکستان در قبال مسایل مطرحه مبادرت ورزد. اداره اسلام آباد، وضعیت اینچنینی را بمثابة مشکل و معضل ستراتیژیک برای خویش می پندارد، از اینرو، این گمان نیز موجود می باشد که انجام عملکردهای یادشده توسط "طالب" ها در کشور، بدون تأیید هند نمی باشد.

در مورد واکنش های بین المللی، بایست خاطرنشان گردد که کشورهای قطر، عربستان و ایران تلاش بعمل می آورند تا بمنظور برقراری آتش بس میانجیگری نمایند. چین که منافعش مستقیم بامنیت کریدور "یک کمربند، یک مسیر" مرتبط است، نگرانی عمیقش را در قبال وضعیت موجود ابراز نموده و از همه طرف ها خواست تا خویشتنداری نمایند. ایالات متحده و کشورهای غربی ترجیح دادند تا از یکدیگر فاصله گرفته و بنحوی خود را صرف با اظهارات در مورد "ضرورت گفتگو" محدود نمایند.

در واقع، منطقه مجدد در آستانه بی ثباتی قرار گرفته است. درگیری های محدود کنونی، می تواند بیک درگیری و جنگ تمام عیاری مبدل گردد. وضعیت با این واقعیت که هر دو کشور از امکانات حربی و جنگی گسترده ای برخوردار بوده و از جانب دیگر، پاکستان از قابلیت های هسته یی نیز برخوردار است، وضعیت منطقه کاملن پیچیده ترمی گردد. درین مقطع پرسشی باین شرح مطرح می گردد که در عقب و پشت پرده تنش های موجود، چه حقایقی نهفته می باشد؟ قبل از ارائه پاسخ در مورد یادشده، بایست خاطرنشان گردد که منازعه افغانستان و پاکستان باید فراتر از اختلافات مرزی پنداشته شود، چه، منازعه موجود میان دو کشور، بمثابة تقابل و رویارویی مدل های دوگانه هویت محسوب می گردد.

پاکستان تلاش می ورزد تا جایگاهش را بمثابة مرکز جهان اسلام در جنوب و غرب آسیا حفظ نماید، افغانستان تحت رهبری "طالب" ها، می خواهد باثبات رساند که قادر بدفاع از موجودیت مستقل بوده و مطیع هیچ کشور دیگری، چه ایالات متحده و چه پاکستان نمی باشد.

مبارزه بمنظور رهبری نمادین در جهان پستون و نظارت بر قبایل مرزی، هسته مرکزی و مرکز ثقل قضایای کنونی در منطقه را تشکیل می دهد.

علاوه برین همه، منافع و مصالح اقتصادی نیز در میان می باشد. کریدور افغانستان - پاکستان بمنظور قاچاق، انتقال مواد سوخت، فلزات و مواد غذایی مورد استفاده قرار می گیرد. هر دو جانب سعی و تلاش بعمل می آورند تا نظارت بر جریان های یادشده را در اختیار و صلاحیت خویش قرار دهند، زیرا در شرایط تحریم ها و موجودیت فقر گسترده، اصل بود نبود و معضل بقا مطرح می باشد.

پاکستان در صدد آنست تا بهمگان واضح و مبرهن نماید که همچنان ضامن امنیت بوده و قادر به کنترل افراط گرایی می باشد. اداره "طالب" ها در کشور نیز در پی اثبات این واقعیت می باشد که دارای حاکمیت ملی بوده و می تواند بگونه مستقل از مرزهای افغانستان دفاع نماید.

در تلافی این جاه طلبی ها، بحرانی در حال ظهور می باشد که در کنار سایر مسایل موجود، خطر بدراز کشیدن آن نیز عملن موجود می باشد.

اما در شرایط امروزی و در وضعیت کنونی، هر دو جانب هنوز از فرصت و امکان توقف درگیری های مسلحانه برخوردار بوده و کانال های دیپلماتیک و گفت و شنود های صلح خواهانه هنوز هم موجود می باشد، اما دستیابی بمأمول فوق نه تنها به میانجیگری خارجی، بلکه باراده سیاسی طرف های درگیر امکان پذیر می باشد.

توسط وسایل اطلاعات جمعی گزارش داده میشود که حتا در شرایط و موقعیت وجود انفاذ آتش بس و برقراری سکوت نسبی، اما آرامش یادشده، ممکن است هر لحظه با شلیک درگیری شکسته شود، که بارها هم چنین شده و در آینده نیز قابل پیشبینی می باشد.

در پایان بحث حاضر و بمثابة نتیجه گیری، در مورد سناریوهای احتمالی به هدف توسعه و گسترش رویارویی، چنین خاطر نشان می گردد:

درگیری های موجود باید در نطفه خفه گردند. چون تحت فشار میانجیگران بین المللی، ممکن طرف های درگیر، خود را به ایراد بیانیه های دیپلماتیک و انفاذ آتش بس مؤقت محدود و محصور نمایند، البته که عملکرد اینچنینی، آبروی هر دو دولت را حفظ می نماید، اما معضلات و مشکلات اساسی و عمده را حل نخواهد کرد. چه، تشدید تنش ها ممکن بیک رویارویی طولانی مدت و دیرپا مبدل شده و شکل گیری کانون های دایمی تنش در امتداد "خط دیورند" و انجام تیر اندازی ها و فعالیت های خرابکارانه بامر عادی و همیشگی مبدل گردد.

اما با منطقه بی شدن درگیری، اگر هند به مداخله مبادرت ورزد و یا منافع چین در اولویت قرار داده شود، درگیری می تواند بیک جنگ نیابتی مبدل گردد. در وضعیت اینچنینی، افغانستان و پاکستان، صرفن بمثابة مهره هایی در یک بازی بزرگتر و فراگیر تر نقش ایفا خواهند نمود.

اما وضعیت حاد و متشنج میان افغانستان و پاکستان، نه در حدود یک رویداد محلی، بلکه بمثابة نشانه ای از فرآیند های

عمیق تری پنداشته می شود.
افغانستان و پاکستان، مدت هاست که در وضعیت وابستگی متقابل بسربرده، اما هریک آنها در تلاشند تا نقش شان را
در منطقه از نو تعریف نمایند.

یکشنبه ۱۷ ماه حوت سال ۱۴۰۴ خورشیدی، برابر با ۸ مارچ سال ۲۰۲۶ ترسای